

نقش قوه قضاییه هند در حفاظت از محیط زیست

محمدیار ارشدی*

مربی دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

پذیرش: ۸۳/۷/۲۹

دریافت: ۸۲/۸/۲۷

چکیده

بدون شک رویه قضایی، فارغ از آنکه کشوری تابع نظام «حقوق نوشته» یا «حقوق عرفی» باشد، واجد نقش با اهمیتی در توسعه «حقوق محیط زیست» است. در میان کشورهای در حال توسعه، هند نمونه خوبی است که قوه قضاییه‌اش استفاده شایان توجهی از اصول قانون اساسی، قوانین محیط زیست و احکام مسئولیت مدنی، در حفاظت از محیط زیست به عمل آورده تا آنجا که می‌توان گفت یک حقوق جدید محیط زیست را در آن کشور بنا ساخته است. اما در مقایسه، متأسفانه سابقه قضایی ایران، حاوی تصمیمات مهمی در این باره نیست، علی‌رغم آنکه قوه قضاییه این کشور از ساز و کار قانونی و شرعی مناسبی در این باره، برخوردار است.

دادگاههای عالی هند، قاطعانه اعلام کرده اند که حق حیات بشر، مصرح در اصل ۲۱ قانون اساسی، محدود به زنده بودن حیوانی نیست، بلکه شامل حق انسان به زندگی در وضعیتی شرافتمندانه است که استحقاق آن را دارد و از این رو، برخورداری از محیط زیست سالم در قلمرو حقوق بنیادین بشر قرار دارد. نکته مهم آنکه بیشترین دعاوی مربوط به تخریب محیط زیست از طریق "دادخواهی به نفع عموم" به دادگستری کشور هند راه پیدا کرده و از این طریق، دادگاههای عالی آن کشور قادر شده اند جریان تخریب و آلودن محیط زیست توسط مؤسسات دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کنند و آنجا که لازم است به قوه مجریه در انجام صحیح وظایف قانونی خود در حفاظت از محیط زیست اخطار دهند.

در پایان مقاله حاضر، پیشنهادهایی برای حفاظت و بهبود محیط زیست و نیز تقویت نقش قوه قضاییه ایران در این باره، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حفاظت از محیط زیست، قوه قضاییه، دادخواهی به نفع عموم، هند

* E-mail: yaraninstitute@yahoo.com



۱- مقدمه

اصطلاح محیط زیست در هیچیک از کنوانسیونها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین المللی تعریف نشده [۱، ص ۲]، اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت: محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می‌شود که اشیا و اموال موجود در کره زمین را در بر گرفته، بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذارند [۲، ص ۲۷۸]. پس هر چه در اطراف خود می‌بینیم در محدوده معنا و مفهوم این اصطلاح قرار می‌گیرد و به قول انیشتین: «هر چیزی غیر از من، محیط زیست تلقی می‌شود» [۳، ص ۴]. به زبان علمی می‌توان گفت که لایه زیستکره (بیوسفر) که چند صد متر از فضای بالا و پایین سطح زمین و اقیانوسها را تشکیل می‌دهد، حاوی تمام آن چیزی است که ما آن را محیط زیست می‌نامیم [۴، ص ۹].

بقای بشر بر روی این کره خاکی، بستگی تام به حفاظت از محیط زیست دارد و این حقیقتی غیر قابل مناقشه است؛ لکن ضرورت این محافظت، نباید دغدغه یک یا چند کشور تلقی شود، زیرا علی‌رغم آنکه کشورها دارای مرزهایی هستند که باعث تحدید و تعیین هر یک از دیگری می‌شود، اما محیط زیست مرز نمی‌شناسد تا در آن محدود و محصور شود و آثار تخریب آن در یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر سرایت نکند. در تأیید این مدعی، می‌توان به شکایاتی اشاره کرد که در طول چند دهه گذشته در مراجع قضایی به ثبت رسیده و طی آنها، دولتی از دولت دیگر به علت انجام فعالیتهای مخرب محیط زیست که سلامت ساکنان کشور شاکی را به خطر انداخته شکایت کرده است.

فاجعه‌های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار جهان رخ می‌دهد، اغلب حاصل فعالیتهایی است که بشر به ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، و در طی فرایند صنعتی شدن، به آنها دست یازیده و مآلاً باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است [۵، ص ۱۹]. مدتها است که علاج این گونه نابسامانیها که سلامتی بشر را به خطر انداخته‌اند، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشستهای بین المللی متعددی را شکل داده که به کنفرانس «محیط زیست انسان» و کنفرانس «محیط زیست و توسعه» (معروف به «اجلاس سران زمین») که به ترتیب در شهرهای استکهلم (سوئد) و ریودوژانیرو (برزیل) در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل برگزار شدند، به عنوان سرآمد این نشستها می‌توان اشاره کرد. اما با افسوس باید گفت که حاصل اقدامات صورت گرفته برای حفاظت از

محیط زیست، رضایتبخش نبوده [۶، ص ۵] و همچنان ازدیاد جمعیت، فقر، آلودگیهای آب، خاک، هوا، صدا و مواد پرتوزا، جنگل زدایی، بیابانزایی، باران اسیدی، گرم شدن جهان، نازک شدن لایه ازن و کاهش تنوع زیستی، به عنوان عوامل اصلی تخریب و آلودگی محیط زیست، سلامت زمین و منابع آن را تهدید می‌کنند [۷، ص ۱].
نتیجه آنکه محافظت از محیط زیست، یک نیاز جهانی است شمول آن، تمام کشورهای دنیا، اعم از کوچک و بزرگ، توسعه یافته و در حال توسعه را در بر می‌گیرد [۸، ص ۱].

۲- حق برخورداری از محیط زیست سالم؛ نسل سوم از حقوق بشر

نسل سوم از حقوق بشر، «حقوق مردم» است که در کنار حقوق نسل اول (حقوق آزادی) و نسل دوم (حقوق برابری) به «حقوق برادری» شهرت یافته است [۹، ص ۱۳۵]. این نسل از حقوق، شامل حق توسعه یافتن، حق زیستن در صلح و آرامش، حق برخورداری از محیط زیست سالم، و حق مالکیت بر میراث مشترک بشریت، حقوق جمعی^۱ یا حقوق همبستگی^۲ نامیده شده‌اند، زیرا با توجه به ارتباط و وابستگی جهانی که در حال حاضر وجود دارد، بدون تلاش مشترک و هماهنگ از سوی همه کشورها، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه و سازمانهای بین المللی، اجرای حقوق مزبور امکانپذیر نخواهد بود [۱۰، ص ۲۹].

در این بین، حق برخورداری از محیط زیست سالم، جزء نامزدهای اصلی از این گروه برای ارتقا یافتن به جایگاه حقوق بشر است [۱۱، ص ۲۵] تا نتیجتاً از تمام تدابیر و توان نظام قضایی و سیاسی که در سطح ملی و بین المللی برای عدم نقض و اجرای این دسته از حقوق انسانها وجود دارد برخوردار شود [۱۲، ص ۳۰۱]. امری که متأسفانه تا کنون اتفاق نیفتاده و حق مزبور در سطح بین المللی، تنها به عنوان جزئی از نسلهای اول و دوم حقوق بشر مطرح است و مستقلاً مورد شناسایی حقوق بین الملل قرار نگرفته است [۹، ص ۱۶۷]. به عبارت دیگر، قدمی که در سال ۱۹۷۲ در جریان کنفرانس محیط زیست انسان، با تنظیم مفاد اصل اول اعلامیه استکهلم - که در ادامه مقاله متن آن ذکر شده است - نسبت به درج حق محیط زیست در زمره حقوق بشر برداشته شده بود، بیست سال بعد در جریان برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه، ادامه داده نشد و به جای استعمال واژه «حق»، صرفاً در اصل اول اعلامیه ریو به این مطلب اشاره شد که «انسانها موضوع اصلی توسعه پایدارند و مستحق

1. collective rights
2. solidarity rights



برخورداری از یک زندگی سالم و مولد در انطباق با طبیعت هستند». این عقب نشینی و ضعف اعلامیه ریو در تأکید بر مسأله حقوق بشری بودن بهرمندی از محیط زیست سالم، بیانگر تردیدی است که جامعه جهانی نسبت به جایگاه صحیح قواعد حقوق بشر در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست دارد [۱۳، ص ۴۳].

۳- قوه قضاییه و حفاظت از محیط زیست

بسیاری از مردم جهان، به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته، مدتها است از خطری که از جریان رو به رشد تخریب و آلودگی محیط زیست، متوجه سلامتشان است، آگاه شده‌اند و اکنون افراد زیادی از آنان در قالب سازمانهای غیردولتی، برای سالم نگهداشتن این پدیده حیاتی، در کنار سازمانها و ادارات دولتی ذی ربط، فعالیت می‌کنند و در این راه گاهی دست به نمایشهای انتحاری نیز می‌زنند!

خوشبختانه در سالهای اخیر، موج آگاهیهای مربوط به اهمیت محیط زیست، پهنه کشورهای در حال توسعه را نیز فرا گرفته و در کنار سازمانهای دولتی یاد شده، مردم آن کشورها هم منفرداً یا مجتمعاً در راه پاسداری از سلامت محیط زیست و جلوگیری از فعالیتهای مخرب آن تلاش می‌کنند. اما بدیهی است که در یک روند مسالمت آمیز، به ثمر نشستن این تلاشها صرفاً در گرو همکاری محاکم دادگستری خواهد بود. به عبارت دیگر، با قاطعیت می‌توان گفت که بدون همراهی قوه قضاییه، فعالیتهای سازمانهای دولتی و غیر دولتی محافظ محیط زیست ثمربخش نخواهد بود.

بر همین اساس در شب برپایی اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) در سال ۲۰۰۲ میلادی، «گردهمایی جهانی قضات» متشکل از ۱۲۰ قاضی ارشد از بیش از ۶۰ کشور جهان که ۳۲ تن از آنان قاضی القضاة کشورهايشان بودند را شاهد بودیم تا نقش قوه قضاییه را برای بهبود بخشیدن به حکومت قانون در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست، به بحث بگذارند. حاصل نشست مذکور، تأیید و تأکید همه شرکت کنندگان بر نقش اساسی قوه قضاییه در حفاظت از محیط زیست بود که می‌تواند از طریق تفسیر، توسعه، الزام و اجرای قوانین محیط زیست، با توجه به مفهوم «توسعه پایدار»، ایفا شود [۱۴، ص ۱۰].

توسعه پایدار، شکلی از توسعه یا پیشرفت است که موجب برآوردن نیازهای نسل فعلی بشر شود، بدون آنکه به توانایی نسلهای بعدی در تأمین نیازهای خود در این کره خاکی لطمه بزند [۱۵، ص ۴۳].

اگر بخواهیم حداقل در بین کشورهای در حال توسعه، که ایران نیز در همین گروه جا دارد، به معرفی نمونه‌ای از یک نظام قضایی بپردازیم که در حفاظت از محیط زیست، نقش چشمگیر و ابتکاری داشته است، با اطمینان می‌توان از قوه قضاییه هند نام برد. هرچند برخی از کارشناسان و محققین نامدار در زمینه حقوق بین الملل محیط زیست، به حق اهمیت بیشتری به نقش رویه قضایی کشور مزبور در این خصوص داده و معتقدند که نظام قضایی هند در این خصوص در سطح کره زمین، مثال زدنی است [۱۶، ص ۱۹۹]. در ادامه به تحلیل و تبیین برخی از زوایای این نقش می‌پردازیم.

۴- هند

گرچه هند از نظر نظام حقوقی در بین گروه کشورهای حقوق عرفی^۱ جای دارد، اما در حال حاضر در بسیاری زمینه‌ها دارای حقوق نوشته و قوانین مصوب پارلمان است که از جمله می‌توان به قوانین محیط زیست آن کشور اشاره کرد. با وجود این، قوه قضاییه هند در حفاظت از محیط زیست تنها به قوانین خاص متکی نیست و از اصول قانون اساسی و احکام مسئولیت مدنی نیز در این زمینه، استفاده شایان به عمل آورده، تا آنجا که- با توجه به توضیحی که در ادامه خواهد آمد- می‌توان گفت یک حقوق محیط زیست جدید را در آن کشور بنا ساخته است [۱۷، ص ۳۰۵].

۴-۱- قانون اساسی

قانون اساسی هند مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۴۹ که در ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ لازم الاجرا شد [۱۸، ص ۱۵]، حاوی اصول مهمی درباره حفاظت از محیط زیست است که با اعمال چهل و دومین اصلاحیه بر قانون مزبور در سال ۱۹۷۶، در آن مجموعه جای گرفته است. در واقع، این اصلاحیه در پاسخ به «اعلامیه استکهلم» شکل گرفت که در جریان «کنفرانس بین المللی محیط زیست انسان» در سال ۱۹۷۲ در استکهلم (سوئد) به تصویب رسیده بود [۱۹، ص ۴۸].

1. common law



اصل اول اعلامیه استکهلم حاکی است که بشر دارای حقوق بنیادین^۱ مربوط به آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی است که به وی اجازه دهد یک زندگی شرافتمندانه را سپری کند.

دو اصل جدید که در فرایند اصلاحیه اشاره شده به قانون اساسی هند اضافه گردیدند، یعنی اصل ۴۸-آ و (جی) ۵۱-آ، حمایت از محیط زیست و بهبود بخشیدن به آن را از جمله وظایف حاکمیت و شهروندان آن کشور معرفی کردند.

اصل ۳۲ و ۲۲۶ از همان قانون نیز دیوان عالی^۲ و دادگاههای عالی ایالتی^۳ را قادر می‌سازند تا احکامی را که در حقوق عرفی معمولند برای جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان به کار برند [۵، ص ۶۳].

گذشته از اصول یاد شده، اصل ۲۱ قانون اساسی هند نیز که در بخش «حقوق بنیادین» جای دارد، در شناسایی محیط زیست سالم به عنوان حق بشر، مورد استناد محاکم هند قرار گرفته که در بخش بعد، نحوه استدلال دادگاه در این خصوص ذکر شده است. طبق اصل ۲۱: «هیچ فردی را نمی‌توان از زندگی و آزادی شخصی اش محروم کرد، مگر وفق قانون».

۴-۲- آرای قضایی

دیوان عالی هند، در ضمن آرای بسیار محکم و مستدل خود، همان طور که قبلاً اشاره شد، حق بشر به داشتن محیط زیست غیر آلوده را بخش اساسی و بنیادین حقوق این کشور دانسته و صریحاً اعلام کرده که حق حیات بشر، موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی آن کشور، صرفاً شامل یک حیات حیوانی نیست، بلکه منظور زندگی شرافتمندانه ای است که مطابق شأن انسان باشد و طبیعی است که تحقق چنین حقی منوط به برخورداری از محیط زیستی سالم و تحت کنترل از نظر آلودگی خواهد بود [۲۰، ص ۱۱۲].

دیوان مزبور برای مقابله با آلوده کردن محیط زیست و نیز استیفای حقوق آسیب دیدگان، حتی برخی از قواعد و احکام حقوق عرفی را تغییر داده و از این حیث می‌توان گفت که حقوق جدیدی را در مورد حفاظت از محیط زیست، در کشور تأسیس کرده است. به عنوان مثال در جریان رسیدگی به پرونده نشت گاز سمی از کارخانه شیرام^۴ در چهارم

1. fundamental rights
2. supreme court
3. high courts
4. Shriram Food and Fertiliser Industry

دسامبر ۱۹۸۵ در شهر دهلی که منجر به کشته شدن یک نفر و بیمار گشتن تعدادی دیگر شد، دیوان عالی هند، تئوری "مسئولیت کامل" را که استثنائاتی داشت و مسئولیتی را متوجه زیان رساننده نمی ساخت، رد کرد و به جای آن اصلی جدید به نام "مسئولیت مطلق" را پذیرفت. حسب مفاد اصل جدید، کسی که فعالیتهايش موجب آلودگی محیط زیست شده باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده گیرد و اینکه وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارات وارده، محسوب نمی شود [۲۱، صص ۱۰۵-۱۰۷].

همچنین جبران خسارات ناشی از نشت گاز سمی MIC^۲ از «کارخانه یونیون کارباید»^۳ در شهر بوپال^۴ هند، در دسامبر سال ۱۹۸۴ که تبعات آن بسیار دهشتناکتر از حادثه کارخانه شریرام بود و منجر به کشته شدن ۲۶۶۰ نفر و مصدوم شدن دهها هزار نفر از اهالی منطقه شد نیز طبق اصل مسئولیت مطلق به عمل آمد [۱۹، صص ۱۴۵-۱۴۶].

اما نکته مهمی که در مورد دعاوی زیست محیطی در هند باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آن است که بیشتر دعاوی مزبور از طریق "دادخواهی به نفع عموم"^۵، به دادگستری آن کشور راه پیدا کرده و به واسطه آن، قوه قضاییه هند توانسته است تا جریان تخریب و آلودن محیط زیست توسط صنایع، اعم از دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کند [۷، صص ۲۴].

به عبارت دیگر، هر شخص، اعم از حقیقی و حقوقی می تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جزء متضررین اصلی نباشد [۵، صص ۵۱-۵۲]. همین امر باعث شده تا به موازات ارتقای نقش مثبت دادگستری هند، نقش اشخاص حقیقی و حقوقی نیز در حفاظت از محیط زیست به ویژه برای کمک به افراد تهیدست و مستضعف که تظلم و دادخواهی برای شان با مشقت همراه است و معمولاً باعث می شود از آن صرف نظر کنند، اهمیت والایی پیدا کند. حُسن دیگر این تجویز آن است که اگر واحدهای اجرایی تابع قوه مجریه که باید به مبارزه با فعالیت‌های مخرب و آلوده کننده محیط زیست بپردازند، از انجام دقیق وظایفشان غفلت کنند، شهروندان

-
1. strict liability
 2. absolute liability
 3. methyl isocyanate
 4. Union Carbide Corporation
 5. Bhopal
 6. public interest litigation



به جای آنها وارد عمل می‌شوند و از دستگاه قضایی کشورشان، دادخواهی می‌کنند [۲۱، ص ۱۳۳].

جالب آنکه دیوان عالی هند، در صورت ضرورت، حتی از اعمال قوانین خاص مربوط به محیط زیست صرف نظر کرده، با استناد به حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور، به صاحبان جرّف متذکر شده که آزادی عمل آنان طبق آن قوانین خاص، باعث مجاز بودن آن دسته از فعالیت‌هایشان که محیط زیست را تخریب می‌کنند، نیست؛ زیرا داشتن محیط زیست سالم، حق بنیادین هر فرد و نیز بخشی از حقوق اساسی آن کشور است و از این رو، قانون عادی نمی‌تواند زایل و ضایع کننده حقوق بنیادین شهروندان باشد [۲۰، ص ۱۱۵].

به عبارت دیگر، قوه قضاییه هند با احکامی که در خصوص دعاوی زیست محیطی صادر کرده، در پی تفهیم این معنا است که هر برداشت از سوی قانونگذار یا عوامل اجرایی از «حق حیات بشر»، که از سویی باعث افزایش کیفیت زندگی مردم در محیط زیست تمیز و سالم نشود و از سوی دیگر متجاوزین و آسیب‌زندگان به محیط زیست را معذور تلقی کند و از جبران خساراتی که به مردم و محیط زیست وارد کرده اند، معاف سازد، اصل ۲۱ قانون اساسی آن کشور را پوچ و بی‌خاصیت می‌کند [۲۰، ص ۱۱۵].

دادگستری هند بارها دستگاه‌های متولی حفاظت از محیط زیست را با مشاهده ضعف عملکردشان، مورد نکوهش قرار داده و خواستار انجام اقدامات لازم برای جبران خسارات وارد به مردم و محیط زیست شده است؛ امری که تا کنون مشابه آن در کشورمان، ایران، به‌رغم فراوان مشکلات فراوان ناشی از آلودگی محیط زیست و هزینه‌های جانی و مالی که به سرمایه‌های ملی وارد می‌سازد، رخ نداده است.

از جمله پرونده‌هایی که در این زمینه در بایگانی قضایی هند وجود دارد، پرونده‌ای مربوط به شکایت اهالی ایالت تامیل نادو^۱ از نحوه تخلیه فاضلاب کارگاه‌های دباغی آن منطقه است. دادگاه از این که مسئولان ایالتی، به‌موقع، هیأت‌های نظارت، موضوع بند سوم از ماده ۳ قانون حفاظت از محیط زیست مصوب ۱۹۸۶ را در منطقه تشکیل نداده بودند، اظهار تأسف می‌کند و به دولت مرکزی دستور می‌دهد هویت تمامی آسیب‌دیدگان، آسیب‌زندگان، و مبلغی را که باید بابت جبران خسارت پرداخت شود مشخص سازد و همچنین مسببان

1. Tamil Nadu

آلودگی را به تحمل هزینه‌های باز گرداندن وضع موجود به وضعیت سابق محکوم می‌کند [۲۱، ص ۷۵].

۵- نگاهی به عملکرد قوه قضاییه ایران در حفاظت از محیط زیست

قانون اساسی ایران، حاوی اصولی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون اساسی صریحترین حکم قانونگذار اساسی در این زمینه است:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

در اصول دیگری از قانون مزبور، حقوق اساسی آحاد ملت تضمین و سیاست‌گذاریهای مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است. مفاد این اصول چرخه ای به وجود آورده‌اند که از سویی پیش نیاز تحقق بسیاری از حقوق یاد شده «محیط زیست سالم» هستند و از سوی دیگر اعمال صحیح آن سیاستها، مآلاً به حفظ محیط زیست از خرابی و آلودگی می‌انجامد. اهم اصول اشاره شده و احکامی که این اصول در بر دارند عبارتند از: رفع فقر و تبعیضات ناروا، ایجاد امکانات عادلانه و رفاه برای همه، برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه و مسکن و کار و بهداشت، تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه، تساوی عموم در برابر قانون و توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (بندهای ۹، ۱۲، ۱۴ و ۱۵ از اصل ۳)، مصون بودن حیثیت و جان اشخاص از تعرض (اصل ۲۲)، تأمین خدمات بهداشتی و درمانی (اصل ۲۹)، ممنوع بودن اعمال حقی که وسیله اضرار به دیگری یا تجاوز به منافع عمومی گردد (اصل ۴۰) که از آن در زبان حقوقی به «منع سوء استفاده از حق» یاد می‌شود، استوار کردن اقتصاد کشور برای تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله خوراک و بهداشت و درمان و نیز ریشه کن کردن فقر و محرومیت، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی (اصل ۴۳ و بندهای ۱ و ۹)، حمایت از مالکیت در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی تا جایی که موجب رشد و



توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود (اصل ۴۴)، اداره انفال از جمله معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، جنگلها و بیشه‌های طبیعی، بر طبق مصالح عامه (اصل ۴۵)، ممنوع بودن سلب امکان کسب و کار از دیگری به عنوان اعمال مالکیت نسبت به کسب و کار خود (اصل ۴۶)، حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت توسط دادگاههای دادگستری (اصل ۶۱) و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین، و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم از سوی قوه قضاییه (اصل ۱۵۶ بند ۲، ۳، ۴ و ۵).

علاوه بر اصول مزبور، قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی نیز برای حفاظت محیط زیست به تصویب مجلس قانونگذاری کشور و هیأت وزیران رسیده که اهم آنها عبارتند از: قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ (اصلاحی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵)، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ (اصلاحی ۱۳۷۱)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳/۲/۱۸ و نیز فصل بیست و پنجم و ماده ۶۹۰ از فصل بیست و ششم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.

اگر قضات، مفاد این تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی را مخالف تأمین هدف اصلی، یعنی حفاظت از محیط زیست که در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته، تشخیص بدهند، طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی موظفند از اجرای آن مقررات خودداری کنند. علاوه بر این، در صورت بروز واقعه‌ای که حکم آن در قوانین مزبور بیان نشده یا برخورد با قوانینی که مفاد آنها دارای اجمال، ابهام، نقص و تناقض باشند، قضات می‌توانند بنا به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹)، با استناد به قواعد فقهی با تخریب و آلودگی محیط زیست مقابله کنند. از جمله این قواعد می‌توان به قاعده‌های «لا ضرر» و «من له الغنم» اشاره کرد.

نگاهی به سابقه قضایی ایران در این خصوص [۲۲، صص ۱۱۲-۱۴۰] نشان می‌دهد که متأسفانه قوه قضاییه کشورمان، علی‌رغم آنکه از ساز و کار قانونی لازم و مناسب برای حمایت و حفاظت از محیط زیست برخوردار است، تاکنون نتوانسته به ایفای نقش قابل قبول در این زمینه که امروزه از بزرگترین دغدغه‌های بشری است، توفیق یابد.

گاهی دیده می‌شود که قضات محترم حداقل به جای رعایت نص قانون در حفاظت از محیط زیست، به دفاع از قوه مجریه که آلوده کننده تحت امر آن بوده، برخاسته و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه، به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه باعث بیکاری کارگران می‌شود و مشکلاتی برای دولت به بار خواهد آورد، برای مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند! به عنوان مثال می‌توان به نظر بازپرس دادرسی میاندوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایت مورخ ۱۳۶۳/۸/۸ اداره حفاظت محیط زیست میاندوآب از مدیر عامل کارخانه قند میاندوآب اشاره کرد که مورد تأیید دادستان نیز قرار گرفته است. مشاراًلیه در جلسه رسیدگی به شکایت مزبور در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ چنین استدلال می‌کند که «... جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زرینه رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاکی(!)، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاههای عظیم تصفیه آب و ... جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تأسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد ... که نه تنها از عهده کارخانه قند میاندوآب بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است» [۲۳، ص ۱۴۷]!

اطاله در دادرسی و صدور حکم نهایی و نیز تأخیر در اجرای برخی احکام صادر در دعاوی زیست محیطی، اشکال دیگری است که نظام قضایی کشورمان با آن روبه‌رو است؛ حال آنکه به دلیل اهمیت امر، قانونگذار رسیدگی به این گونه جرائم را - البته اگر در رابطه با تخریب محیط زیست و آلودگی آب باشد - فوری و خارج از نوبت مقرر کرده است.

در این باره، پرونده‌های مربوط به آلودگی محیط زیست توسط صنایع شیمیایی پارچین که با تخلیه مستقیم فاضلاب آلوده به مواد شیمیایی در رودخانه جاجرود، موجبات آلودگی آب آن رودخانه را که اغلب به مصارف کشاورزی منطقه می‌رسد، فراهم می‌آورد و کارخانجات باتری سازی نیرو که با انتشار سرب حاصل از فرایند تولید باتری، در سطح وسیعی از هوای منطقه پاسداران تهران، مقر یکی از واحدهای آن کارخانه، موجب آلودگی هوا می‌شد، قابل ذکرند. سازمان حفاظت محیط زیست شکایت خود را از آن دو واحد که وابسته به سازمان صنایع دفاع هستند به ترتیب در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۱، تسلیم مقامات ذیصلاح دادگستری کرد، اما متأسفانه تا سال ۱۳۷۵ هیچ نتیجه‌ای برای حل این معضل عاید نشده بود [۲۳، صص ۱۴۳-۱۴۵]!



همچنین می‌توان از شکایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران به شماره ۲۷۱۹-۳۰۷-۱۰۱ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۶ از شرکت صنعتی ایران خودرو یاد کرد. این شکایت به دلیل فعالیتهای بخش ریخته‌گری شرکت مزبور که موجب آلودگی شدید هوا و مالاً تهدید جدی سلامت ساکنان «شهرک دانشگاه» گردیده، تسلیم دادرسی ناحیه ۵ تهران شده و علی‌رغم گذشت حدود یک‌سال (تا زمان تحریر این مقاله) هنوز قرار یا حکم بدوی در این باره صادر نشده است!

مورد دیگر پرونده شهر جدید پردیس است: اداره کل محیط زیست استان تهران از آقای ک مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید پردیس واقع در شرق تهران که بزرگترین شهرک خاورمیانه محسوب می‌شود، به دلیل عدم نصب سیستم تصفیه فاضلاب انسانی که منجر به آلودگی زمینهای زراعی و منابع آبی اطراف شده و خصوصاً اهالی ده باغکمیش را با نگرانی شدید مواجه کرده، شکایتی در سال ۱۳۷۷ تسلیم مجتمع قضایی رسالت مستقر در بومهن می‌کند. سرانجام در ۱۸ اسفند ۱۳۸۰، دادرسی شعبه ۶۲۵ دادگاه عمومی وقت، با صدور حکم شماره ۴۴۵۶-۴۴۵۷، ضمن تبرئه مشتکی عنه به دلیل عدم انتساب جرم، وی را به نصب سیستم تصفیه فاضلاب مزبور محکوم می‌کند. با اعتراض محکوم علیه، شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان تهران نیز طی حکم شماره ۱۵۳۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۹ نظر دادگاه بدوی را در مورد نصب سیستم تصفیه مورد تأیید قرار می‌دهد، لکن به مسئولیت مدیران فعلی شرکت مذکور نیز در همان رأی تأکید می‌کند. متأسفانه طبق اظهار مسئول حقوقی اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران، تا کنون مفاد حکم مزبور به اجرا در نیامده است!

علی‌رغم آنکه قوه قضاییه، حسب اصل ۶۱ و ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه حفظ حقوق عمومی، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین را بر دوش دارد، اما متأسفانه تا کنون در باب نظارت بر حسن اجرای قوانینی که مربوط به حفاظت از محیط زیست می‌شود، تلاش درخوری نداشته است. از جمله مواد قانونی که نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای آنها، از آلودگیهای محیط زیست به‌طور قابل توجه خواهد کاست، ماده ۱۰۴ (بند ۵ از ج) قانون برنامه سوم توسعه است که بر اساس آن، هرگونه آلودن هوا توسط موتورسیکلتها و وسایط نقلیه، از سال دوم برنامه، جرم محسوب می‌شود و مجازات مرتکب، پرداخت ۵۰۰ هزار ریال به‌عنوان جریمه است که پس از یک هفته مجدداً آن مجازات، در صورت عدم تعمیر وسیله، قابل اعمال خواهد بود. آلودن آب نیز وفق ماده ۴۶ از قانون توزیع عادلانه آب (مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶) ممنوع است. همچنین طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴ با

اصلاحات بعدی) شهرداری باید از ایجاد تمام مشاغل و کسبهایی که ایجاد مزاحمت، سر و صدا، تولید دود یا عفونت یا تجمع حشرات و جانوران کند، جلوگیری به عمل آورد. بند (۶)ب از ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴) ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماریهای مسری و تخلیه فاضلابهای صنعتی و هر گونه مواد آلاینده را در آبهای تحت حاکمیت ایران که باعث خسارت به منابع آبی شود جرم تلقی کرده است. مواد ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸ و ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی نیز تخریب تاکستان و باغ میوه، شبکه‌های آب و فاضلاب، قطع و از بین بردن عمدی و برخلاف قانون درختان (موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز)، هر گونه اقدام علیه بهداشت عمومی، و نیز تخریب محیط زیست و منابع طبیعی را جرم و قابل مجازات دانسته است.

به‌عنوان مثال در مورد اجرای به موقع قوانین و مقررات مربوط به احداث جایگاه و تولید و عرضه به موقع سوخت، گاز سوز شدن وسایط نقلیه عمومی اعم از اتوبوسها و مینی‌بوسها، و نیز توقف تولید و ورود موتورسیکتهای دو زمانه که سهم بسزایی در آلودگی هوا دارند [۹، ص ۱۶۲]، دست اندرکاران قضایی کشور نظارتی ندارند و عملاً قوه مجریه را در این باره فعال مایشاء ساخته‌اند.

در مقابل، هنگامی که دیوان عالی هند با تعلل دولت در اجرای مقررات مربوط به تبدیل سوخت وسایط نقلیه عمومی از دیزل به گاز فشرده طبیعی (CNG) مواجه شد، آن هم به بهانه کمبود اعتبارات، مهلت مناسبی برای اجرای این امر تعیین کرد و با پایان یافتن مدت مزبور و صورت نیافتن این تبدیل، در اقدامی قاطع در مرحله اول، تردد اتوبوسهای دیزلی (بالغ بر شش هزار دستگاه) را در سطح پایتخت (دهلی)، ممنوع ساخت [۲۴، ۲۰۰۲/۴/۱، ص ۱] و جریمه روزانه ۵۰۰ روپیه (واحد پول هند) را که پس از یک هفته به یکهزار روپیه افزایش یافت، برای صاحب ماشین متخلف در نظر گرفت؛ اقدامی که منجر به عملی شدن نهایی برنامه مزبور در کمتر از شش ماه شد [۲۴، ۲۰۰۲/۴/۶، ص ۱].

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

قوه قضاییه هند توانسته است با به‌کارگیری اصول قانون اساسی و قواعد حقوق عرفی، نقش بسیار مؤثری در حفاظت از محیط زیست آن کشور ایفا کند، به طوری که یک حقوق جدید محیط زیست را در کشورش پایه ریزی کرده است. ایفای چنین نقشی، حتی محاکم آن کشور



را بر آن داشته که از اعمال قوانین خاص محیط زیست مصوب پارلمان، در جایی که منجر به زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور شود، امتناع کنند!

اما رمز حضور آن قوه در پرونده‌های مربوط به مشکلات زیست محیطی و نظارت بر فعالیت‌های دوایر دولتی را که متولی حفاظت از محیط زیست کشورند می‌توان در مجاز دانستن «دادخواهی به نفع عموم» خلاصه کرد. به این ترتیب، دخالت محاکم هندی موکول به طرح شکایت از سوی سازمان محیط زیست آن کشور یا اشخاصی که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده‌اند، به‌عنوان شاکی خصوصی، نیست و هر شهروند می‌تواند برای حفظ منفعت عمومی، با تسلیم دادخواست خود به مراجع قضایی ذیصلاح، بدون آنکه نیاز باشد در جلسه دادگاه حضور یابد، علیه هر فعالیتی که آن را مخرب محیط زیست کشورش می‌داند، طرح دعوا کند.

در مقایسه با چنین نقش بدیع و مؤثری که دادرسان هندی در توسعه حقوق محیط زیست کشورشان ایفا می‌کنند و خود را در جهان از این حیث شهره کرده اند، متأسفانه باید اعتراف کرد که قضات ایرانی تا کنون در این زمینه کارنامه قابل قبولی نداشته اند. با توجه به مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست در ایران، به‌ویژه در شهرهای بزرگ که سلامتی هموطنان را با خطر جدی مواجه کرده و سدی در راه توسعه پایدار کشور است و با عنایت به اینکه از سویی مهمترین آلوده کننده محیط زیست کشورمان، تأسیسات متعدد دولتی‌اند که طبعاً به خاطر انتساب به دولت، از قدرت ویژه‌ای برخوردارند و از سوی دیگر سازمان حفاظت محیط زیست نیز که قانوناً مسئول اصلی مبارزه با فعالیت‌های مخرب و آلوده کننده محیط زیست است، خود یک نهاد دولتی محسوب می‌شود که تحت امر شورای عالی حفاظت محیط زیست قرار دارد و اکثر اعضایش بر طبق ماده ۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۲) عضو هیأت دولت هستند، شایسته است قوه قضاییه ایران بسان همتای هندی خود، نقش مؤثرتری در حفاظت از محیط زیست کشور از خود نشان دهد.

برای تأمین هدف فوق‌الذکر، و همچنین برای تقویت نقش قوه قضاییه در این باره که با تعالی حیات بشر رابطه مستقیم دارد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. با استناد به اصول مرتبط قانون اساسی که ذکر شدند، از جمله اصل ۵۰، قوه قضاییه می‌تواند از طرفی، کمیوها و نقایص قوانین موجود درباره حفاظت از محیط زیست و برخورد با فعالیتهای مخرب و آلوده کننده را جبران کند و از طرف دیگر، سستی و رخوتی را

که ممکن است هر از گاهی در اجرای دقیق قوانین محیط زیست و مبارزه با فعالیتهای مخرب و آلوده کننده آن، دامنگیر سیستم اجرایی کشور شود با دخالت بجا و صدور آرای مناسب، برطرف سازد.

۲. در دعای زیست محیطی، با برداشتی صحیح از مفاد ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸)، «دادخواهی به نفع عموم» مجاز شناخته شود و به امکان نقش آفرینی مدعی العموم در این خصوص (موضوع بند «الف» از تبصره ۲ ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با ملاحظه بند «الف» از ماده ۳ اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱) بسنده نشود تا در نتیجه هر شخص حقیقی و حقوقی بتواند در برخورد با فعالیتهای مخرب و آلوده کنند محیط زیست، گرچه مستقیماً و در ظاهر از آن فعالیتهای متضرر نشده باشد، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند.

۳. نظارت بر دستگاههای ذی ربط اجرایی باید وظیفه‌ای جدی برای قوه قضاییه تلقی شود و در صورت لزوم، با صدور رأی، تذکرات لازم به دستگاههای مزبور برای انجام صحیح وظایفی که قانوناً بر عهده دارند، داده شود.

۴. متأسفانه ماده ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴) اختیاری را که سازمان حفاظت محیط زیست به استناد ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳) در جلوگیری از ادامه فعالیت واحد آلوده کننده داشت، حداقل در مورد آلودگی هوا، از آن سازمان سلب کرده است؛ یعنی قانونی که مقنن پس از بیست سال به وضع آن مبادرت کرده و علی القاعده بایست واجد مقررات شدیدتری نسبت به آلوده کنندگان محیط زیست باشد، نه تنها این گونه نیست، بلکه ارفاق یا ارفاقهایی هم درباره آنها روا داشته است. بدین صورت که اولاً، سازمان حفاظت محیط زیست موظف است برای متوقف کردن فعالیتهای کارگاه یا کارخانه‌ای که هوا را آلوده می‌کند، به مرجع قضایی مراجعه کند و ثانیاً با مقایسه مفاد ماده ۱۲ از قانون سال ۱۳۵۳ و ماده ۲۹ از قانون سال ۱۳۷۴ در می‌یابیم که مجازات آلوده کننده از حیث مدت حبس، در قانون جدید تخفیف پیدا کرده است!

گرچه قانونگذار با تصویب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، اشکال اخیر را رفع کرده است [۲۵، صص ۱۷۹-۱۸۰]، اما پیشنهاد می‌شود مقنن با اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، در هر دو موردی که ذکر شد، تجدید نظر کند و اولاً سازمان محیط زیست را دوباره مجاز به متوقف ساختن فعالیتهایی کند که منجر به آلودگی هوا می‌شوند و



ثانیاً مجازات شدیدتری را برای آلوده کننده هوا در مقایسه با قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در نظر بگیرد.

۵. لازم است همان گونه که وفق تبصره یک ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب، رسیدگی به جرائم مربوط به تخریب محیط زیست و آلوده ساختن آب، فوری و خارج از نوبت مقرر شده، در دیگر موارد آلودگی محیط زیست، به ویژه آلودگی هوا نیز چنین امتیازی وضع شود؛ زیرا در حال حاضر، محاکم تکلیفی بدین امر، در غیر از مواردی که اشاره شد و نیز موضوع ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در رسیدگی به اعتراض صاحبان کارگاهها یا کارخانه‌هایی که به دستور سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت بازمانده اند، ندارند [۲۶، ص ۱۸۰]. گرچه برخی از نویسندگان حقوقی، مفاد ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب را مجوز دادرسی فوری در دعاوی مربوط به آلوده کردن آب نمی‌دانند [۲۶، ج ۱، صص ۱۲۰-۱۳۰]، اما بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۲۹۷۵ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ رئیس قوه قضاییه، در رسیدگی خارج از نوبت به دعاوی مربوط به آلوده کردن آبهای عمومی و آب شرب مردم، صراحت دارد [۲۷، صص ۲۶۷-۲۶۸].

۶. آموزشهای مربوط به حفاظت از محیط زیست باید در بین عامه مردم رواج یابد. آموزش، مقدمه فرهنگ سازی است و بدون فرهنگ سازی، پیروی مستمر از قوانین محیط زیست توسط اشخاص بعید به نظر می‌رسد.

باید این نکته در نزد وجدان عمومی پذیرفته شود که محیط زیست صرفاً محدود به رابطه انسان با طبیعت نیست، بلکه رابطه انسان با هم‌نوعش را نیز در برمی‌گیرد و لذا حفاظت از محیط زیست و اجتناب از تخریب آن، به مثابه حفاظت از سلامتی هم‌نوعان و حتی نزدیکترین و عزیزترین افرادشان به شمار می‌رود.

چنانچه درسی تحت عنوان «آموزش محیط زیست» در دوره‌های مختلف آموزش عمومی گنجانده شود و وسایل ارتباط جمعی، به ویژه صدا و سیما نیز از تبلیغ در این راه به طریق مؤثر، دریغ نکنند، موفقیت قابل توجهی در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست، دست خواهد داد.

در این صورت، حتی شاهد خواهیم بود که در جریان انتخابات سیاسی اجتماعی، مانند انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراها، اولویتهای زیست محیطی داوطلبان، نقش مؤثری در کسب آرای مردم، ایفا خواهد کرد.

۷. در قوانین جدیدی که وضع می‌شود یا در آیین نامه‌های اجرایی آنها، باید به گونه ای راه برای حضور افراد محلی و نیز سازمانهای غیر دولتی در جلسه‌های مهم تصمیم گیری در مورد حفاظت از محیط زیست هموار شود تا آنان بیش از پیش خود را در این زمینه مسئول یابند و در مواقع غیره منتظره به کمک مأموران دولتی بشتابند.

۸. فاضلاب و زباله‌های خانگی (نحوه جمع آوری، ذخیره کردن، مصرف و بازیافت آن)، مواد شیمیایی، و آلودگیهای آب، صدا و نور باید مستقلاً در حیطه کاری قانونگذار قرار گیرند تا سیاستی مشخص و کارآمد برای سلامت محیط زیست و مردم، در مورد آنها اعمال شود.

همچنین تا امروز قانونی که به‌طور مستقل و جامع به «تغییرات اقلیمی» و حفاظت از «تنوع زیستی»، پردازد، وضع نشده، حال آنکه ایران به هر دو کنوانسیون بین المللی مربوط که در اجلاس ریو (۱۹۹۲) به تصویب رسیده، ملحق شده است [۲۸، صص ۳۰۹، ۳۱۹].

۹. تأسیس دادگاههای تخصصی محیط زیست که صلاحیت کامل و انحصاری در حل و فصل دعاوی مربوط به محیط زیست (حقوقی و کیفری) داشته باشند، کمک شایانی است به تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌های تشکیل شده در این زمینه و مهمتر از آن به داشتن قضاوتی صحیح و علمی در مورد آنها.

۷- منابع

- [1] Bernie P. & Boyle A., *International Law and the Environment*, Oxford University Press, Oxford (England), 1992.
- [2] Black H.C., *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co., Minnesota (USA), 1983.
- [3] Ball S. & Bell S., *Environmental Law*, Universal Law Publishing Co., Delhi (India), 1996.
- [4] Kiss A. & Shelton D., *International Environmental Law*, Transnational Publishers Inc., New York (USA), 1991.
- [5] Shastri, S.C., *Environmental Law*, Eastern Book Company, Lucknow (India), 2002.



- [6] *Programme for the Further Implementation of Agenda 21*, G.A. Res/S-19/2, 1997, Clause 4.
- [7] Situ, Y. & Emmons, D., *Environmental Crime*, Sage Publications, New Delhi (India), 2000.
- [8] Jaswal, Paramjit S. & Jaswal, N., *Environmental Law*, Pioneer Publications, Delhi (India), 2000.
- [۹] حبیبی، م.ح، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰، ۱۳۸۲.
- [10] Vasak, Karel, "A Thirty-Year Struggle; the Sustained Efforts to Give Force to the Universal Declaration of Human Rights", *the UNESCO Courier*, Paris (France), Nov. 1977.
- [11] Rich, Roland, "Solidarity Rights Give Way to Solidifying Rights", *Dialogue*, Vol. 21, Academy of Social Sciences, Australia, 2002.
- [12] Thorne, Melissa, "Establishing Environment as a Human Right", *Denver Journal of International Law & Policy*, Vol.19, USA, 1991.
- [13] Boyle A., "The Role of International Human Rights Law in the Protection of the Environment", in Boyle A. & Anderson M. (eds.), *Human Rights Approaches to Environmental Protection*, Clarendon Press, Oxford (England), 1998.
- [14] Kurukulasuriya, L., "The Role of the Judiciary in Promoting Environmental Governance", *Yale Center for Environmental Law and Policy*, New Haven (USA), 2003.
- [15] Brundtland, G. Harlem, *Our Common Future: Report of the World Commission on Environment and Development*, Oxford University Press, New York (USA), 1987.
- [16] Anderson, Michael R., "Individual Rights to Environmental Protection in India", in Boyle A. & Anderson M. (eds.), *Human Rights Approaches to Environmental Protection*, Clarendon Press, Oxford (England), 1998.
- [17] Thakur, K., *Environmental Protection Law and Policy in India*, Manav Law House, Allahabad (India), 1999.

- [18] Pandey, J. N., *Constitutional Law of India*, Central Law Agency, Allahabad (India), 1996.
- [19] Singh, G., *Environmental Law*, Lawman Ltd., New Delhi (India), 1995.
- [20] Leelakrishnan, P., *Environmental Law*, Butterworths Ltd., New Delhi (India), 1999.
- [21] Divan, Sh. & Rosencranz, A., *Environmental Law and Policy in India*, Oxford University Press (New Delhi Branch), New Delhi (India), 2001.
- [۲۲] تقی زاده انصاری، م، حقوق محیط زیست در ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۷۴.
- [۲۳] قوام، م.ع، حمایت کیفری از محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۵.
- [24] *Times of India*, India. (available at www.timesofindia.com)
- [۲۵] مهاجری، ع، دادرسیهای خارج از نوبت در امور کیفری، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۰.
- [۲۶] _____، رسیدگیهای خارج از نوبت در محاکم عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- [۲۷] مجموعه قانون مجازات اسلامی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۸۰.
- [۲۸] مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۶.